

آسیب‌ها

و

چالش‌های

فرا روی انقلاب اسلامی

آسیب‌ها و چالش‌های فرا روی انقلاب اسلامی

چکیده

بی‌تردید انقلاب اسلامی ایران، در زمره انقلاب‌های کبیر جهان است. این رویداد نه تنها در ایران دگرگونی اساسی به وجود آورد، بلکه دارای پیامدهای متعدد در جهان اسلام و بازتاب‌های متنوع در سراسر جهان بود.

توان نظری انقلاب اسلامی در تلفیق سنت و مدرنیته، جمهوریت و اسلامیت، دین و سیاست، پیوند معنویت و حکومت و به طور کلی ایجاد یک نظام مردم‌سالار دینی که بر پایه خاستگاه‌های نواندیشانه اسلامی استوار بود، حکایت از این دارد که این انقلاب توانست یک تحول فکری عمیق ایجاد کند و این تحول فکری در جهت بازسازی تمدن اسلامی بود. به همین دلیل دشمنی‌ها و مخالفت‌ها نیز با انقلاب اسلامی از دامنه و حجم گسترده‌ای برخوردار است و خطرات و آسیب‌های فراوانی آن را تهدید می‌کند.

در این نوشتار تلاش بر آن است ضمن بیان ضرورت شناخت نسبت به آفات و موانع انقلاب اسلامی مهم‌ترین آسیب‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی انقلاب اسلامی مورد بررسی اجمالی قرار گیرد.

مقدمه

انقلاب اسلامی، درخشش نور معنویت، عدالت، آزادی، استقلال و بازگشت به اسلام بود که در حاکمیت مطلق ماده‌گرایی و حاکمیت سرمایه‌داری غربی و سوسیالیسم شرقی به وقوع پیوست. معجزه انقلاب اسلامی در حالی که استبداد وابسته و فاسد داخلی و نظام دوقطبی بین‌المللی، مجال هیچ حرکت مردمی اصیل و آزادی‌خواهانه را باقی نگذاشته بود، رخ داد.

تاریخ بسیاری از انقلاب‌ها نشان می‌دهد که به‌طور معمول انقلابیون و مصلحان گام‌های اولیه را با موفقیت برمی‌دارند و رژیم سیاسی ظالم حاکم را برانداخته و وضع موجود را متحول می‌سازند، ولی در تحقق اهداف انقلاب و بنای جامعه مطلوب ناکام می‌مانند. برای مثال، انقلاب مشروطیت هرچند حرکتی وسیع و مردمی بود و خون‌های زیادی در راه آن نثار شد، اما با گذشت کم‌تر از چهارده سال از فرمان مشروطیت، شاهد کودتای ۱۲۹۹ و پایه‌گذاری دیکتاتوری رضاخان و روی کار آمدن غرب‌زده‌ها می‌باشیم. در ناکامی انقلاب مشروطیت، عوامل زیادی نقش داشت. بر ماست که از آن انقلاب درس عبرت گرفته، عوامل ناکامی آن را در انقلاب اسلامی از بین ببریم.

امام خامنه‌ای مدظله‌العالی در مورد تلاش دشمنان برای نابودی انقلاب اسلامی فرموده‌اند:

«از وقتی ملت ایران با پیروزی انقلاب توانست دین خدا و اسلام را در قالب یک نظام اجتماعی مجسم و متبلور کند، ترس از اسلام در دل مستکبران به وجود آمد. تلاش و مبارزه خودشان علیه اسلام را به هر طریق ممکن شروع کردند. مبارزه با جمهوری اسلامی هم به خاطر اسلام است؛ زیرا وقتی که جمهوری اسلامی پای‌بندی خود را نسبت به معتقدات و اصول اسلامی ثابت کرد، به عنوان یک خطر بزرگ تلقی شد و تمام دستگاه‌های استکبار علیه آن به کار افتادند.» (۶۸/۹/۱)

از سوی دیگر، انقلاب اسلامی را آفت‌ها و آسیب‌هایی از درون تهدید می‌کند که می‌تواند منجر به افول آن گردد و توجه به آن‌ها بر همه‌ی دلسوزان این انقلاب مقدس و حافظان آن لازم و ضروری است.

ضرورت آسیب‌شناسی انقلاب اسلامی

انقلاب‌ها و نهضت‌ها نیز مانند همه‌ی پدیده‌های عالم در معرض آفات و آسیب‌ها هستند. آفاتی که چهره‌ی‌های گوناگون و متفاوتی دارند؛ چنانچه این آفات به موقع شناسایی و دفع نشوند، ممکن است انقلاب را از بین ببرند، یا حداقل آن را از رسیدن به اهداف و آرمان‌هایش باز دارند. تحقق آرمان‌های انقلاب، حفظ دستاوردهای آن، تنظیم سیاست‌های کلی نظام و حفظ مقبولیت حکومت، مشروط به شناخت دقیق آفات و دشمنان داخلی و خارجی انقلاب است.

آیت‌الله شهید استاد مطهری رحمت‌الله‌علیه در اهمیّت و ضرورت پرداختن به بحث آفات و آسیب‌های انقلاب فرموده‌اند:

«نهضت‌ها، مانند همه‌ی پدیده‌های دیگر ممکن است دچار آفت‌زدگی شوند. وظیفه‌ی رهبری نهضت است که پیشگیری کند و اگر احیاناً آفت نفوذ کرد، با وسایلی که در اختیار دارد و یا باید در اختیار بگیرد، آفت‌زدایی نماید. اگر رهبری یک نهضت، به آفت‌ها توجه نداشته باشد یا در آفت‌زدایی سهل‌انگاری نماید، قطعاً آن نهضت، عقیم، یا تبدیل به ضدّ خود خواهد شد و اثر معکوس خواهد بخشید.»^۱

امام خمینی قدس سره همواره در سخنان خود و به ویژه در وصیّت‌نامه‌ی سیاسی - الهی خود با هشدار به این که انقلاب نباید به دست نا اهلان بیفتد، رمز تداوم انقلاب و دور بودن از هرگونه آفت و آسیب را چنین معرفی می‌فرماید:

«بی‌تردید رمز بقای انقلاب اسلامی، همان رمز پیروزی است و رمز پیروزی را ملت

۱. مجموعه آثار استاد شهید مطهری - نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر ج ۲۴ ص ۸۵

می‌داند، نسل‌های آینده در تاریخ خواهند خواند که دو رکن آن انگیزه‌ی الهی و مقصد عالی حکومت اسلامی و اجتماع ملت در سراسر کشور با وحدت کلمه برای همان انگیزه و مقصد می‌باشد.^۱

مقام معظم رهبری حضرت امام خامنه‌ای نیز همواره اقشار مختلف مردم را از آفات و موانع احتمالی انقلاب برحذر داشته‌اند. ایشان در ارتباط با ضرورت و اهمیّت آسیب‌شناسی انقلاب می‌فرماید:

«پرداختن به دنیا و شهوات؛ پرداختن به مال و مال‌اندوزی؛ پرداختن به خود بیش از پرداختن و اندیشیدن به جمع و هدف و خدا و دین خدا؛ دچار شدن به فساد اخلاقی - اعم از فسادهای مالی، جنسی، اداری و اختلافات داخلی که این هم یک نوع فساد بسیار خطرناک است - و جاه‌طلبیهای غلط و نامشروع، آن‌چنان که در دنیای غرب مطرح است، عواملی هستند که کاخ آرمانی انقلاب و اسلام و هر حقیقتی را ویران می‌کنند. بناهای جدیدی ساخته خواهد شد؛ اما بناهای طاغوتی، غیر خدایی، بناهای ضدّ اسلامی و ضدّ ارزشهایی که به‌خاطر آن‌ها خون شهدای ما ریخته شد. و این یعنی همان رجعت و برگشت، که دشمن منتظر آن است.» (۷۳/۱۰/۱۵)

آسیب‌شناسی فرهنگی و اجتماعی

۱. نفوذ فکری و فرهنگی

از منظر رهبر انقلاب فرهنگ بسیار مهم است. «چون فرهنگ، به معنای هوایی است که ما تنفس می‌کنیم؛ شما ناچار هوا را تنفس می‌کنید، چه بخواهید، چه نخواهید؛ اگر این هوا تمیز باشد، آثاری دارد در بدن شما؛ اگر این هوا کثیف باشد، آثار دیگری دارد. فرهنگ یک کشور مثل هوا است؛ اگر درست باشد، آثاری دارد.» (۹۳/۱/۱)

۱. صحیفه امام ج ۲۱ ص ۴۰۴ - وصیتنامه سیاسی - الهی

رخنه در میان حوزه‌های علمیه و روحانیان، نفوذ در بین روشن‌فکران، الگوتراشی برای جوانان و نوجوانان امروز، یعنی نسل متولد شده بعد از پیروزی انقلاب، که نه شناخت مستقیمی از انقلاب و روند آن دارند و نه خاطره‌های محکم و استواری از جانفشانی‌های دوران دفاع مقدس، رواج دادن انواع و اقسام فعالیت‌های فرهنگی مبتدل با به‌کارگیری آخرین دستاوردهای نوین و ابزارها و فناوری‌های پیشرفته به منظور افزایش جاذبه آن‌ها از جمله برنامه‌های دشمن در فرایند براندازی پنهان است. فرهنگ و اندیشه‌های بیگانه از دو طریق نفوذ می‌کنند: یکی از طریق دشمنان، یعنی هنگامی که یک نهضت اجتماعی اوج می‌گیرد و جاذبه پیدا می‌کند و مکتب‌های دیگر را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد، پیروان مکتب‌های دیگر برای رخنه کردن در آن مکتب و پوسانیدن آن از درون، اندیشه‌های بیگانه را که با روح آن مکتب مغایر است وارد آن مکتب می‌کنند و آن مکتب را به این ترتیب از اثر و خاصیت می‌اندازند و یا کم اثر می‌کنند... دیگر از طریق دوستان و پیروان، گاهی پیروان خود مکتب به علت ناآشنایی درست با مکتب، مجذوب یک سلسله نظریات و اندیشه‌های بیگانه می‌گردند و آگاهانه یا ناآگاهانه آن نظریات را رنگ مکتب می‌دهند و عرضه می‌نمایند.^۱

ابعاد نفوذ فرهنگی

- ۱- هویت‌سازی در جهت اهداف مورد نظر غرب به گونه‌ای که ملت‌ها را علیه حکومت‌های خود بشورانند یا ملت‌ها ارزش‌ها و هویت راستین خود را انکار کنند و طالب هویت غربی، نمادهای غربی و نیز زندگی غربی باشند.
- ۲- شناسایی، سرمایه‌گذاری و هدایت مسئولان ضعیف در حوزه‌ی فرهنگ.
- ۳- ایجاد بسامد تبلیغاتی مسموم بر ضد منتقدان فرهنگ غیر اسلامی.
- ۴- عملیات هماهنگ در چارچوب فضای مجازی و استفاده از پیشرفت الکترونیک در فضای رسانه‌ای.

۱. مجموعه آثار استاد شهید مطهری - نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر ج ۲۴ ص ۸۶

۵- استفاده از شبکه‌ی عناصر داخلی، به‌عنوان پیاده نظام عملیاتی کردن نفوذ فرهنگی.

۶- تحمیل پیامدهای جبران‌ناپذیر و عمیق نفوذ فرهنگی.

«هدف و آماج تحرک دشمنان در زمینه‌ی فرهنگ، عبارت است از ایمان مردم و باورهای مردم. مسئولان فرهنگی، باید مراقب رخنه‌ی فرهنگی باشند؛ رخنه‌های فرهنگی بسیار خطرناک است؛ باید حساس باشند، باید هشیار باشند». (امام‌خامنه‌ای-۹۳/۱/۱)

۷- فسادانگیزی در بین جوانان

«مدیریت فرهنگ یک کار بسیار لازم است؛ و مدیریت هم باید بر مبنای شعارهای انقلاب و مبانی انقلاب باشد؛ یعنی مراقبت بشود آن‌چه اصل است، این است که مبانی انقلاب و مبانی استقلال کشور و مبانی امام و مانند اینها باید محفوظ باشد... هر کشوری یک اصولی دارد که این اصول باید مراقبت بشود و دستگاه‌های حاکمیتی باید این اصول را رعایت کنند؛ رودربایستی ندارد. اگر چنانچه می‌بینید فلان تئاتر، فلان فیلم، فلان کتاب، فلان نشریه با مبانی انقلاب و مبانی اسلام مخالف است، جلویش را بگیرید و با آن برخورد بکنید.» (امام‌خامنه‌ای-۹۴/۶/۴)

۲. تجدّدگرایی افراطی

در مقابل تمسک به اسلام ناب، تجدّدگرایی افراطی و زهدگرایی منفی قرار دارد. «تجدّدگرایی افراطی - که هم در شیعه وجود داشته و دارد و هم در سنی - و در حقیقت عبارت است از آراستن اسلام به آن‌چه از اسلام نیست و پیراستن آن از آن‌چه از اسلام هست به‌منظور رنگ زمان زدن و باب طبع زمان کردن، آفت بزرگی برای نهضت است و وظیفه رهبری نهضت است که جلو آن را بگیرد»^۱.

۱. مجموعه آثار استاد شهید مطهری - نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر ج ۲۴ ص ۸۸

تجدّدگرایی افراطی در حقیقت تلفیق اسلام باندیشه‌های غیر اسلامی برای زیبا جلوه دادن آن می‌باشد. و این اندیشه غیراسلامی گاهی اندیشه ماتریالیستی و گاهی اندیشه‌های لیبرالیستی و مدرنیته و گاهی تفکرات پست مدرن می‌باشد که امروزه شاهد آن هستیم. تجدّدگرایی افراطی به خاطر داشتن روحیه‌ی انفعال‌پذیری و خودباختگی می‌باشد.

مقام معظم رهبری این مورد را یکی از آفت‌های انقلاب اسلامی بر می‌شمرد و می‌فرماید:

« آن چیزی که باید مورد توجه قرار بگیرد و من اصرار دارم که مردم عزیز ما به خصوص جوانان و همچنین مسؤولان بخش‌های مختلف نظام جمهوری اسلامی بدان توجه کنند، این است که دشمنان نظام جمهوری اسلامی، وقتی نمی‌توانند در میدان مبارزه رویارویی، کار مؤثری با این نظام انجام بدهند... وقتی از همه این‌ها یعنی اقتصادی، نظامی، امنیتی و انفجار داخلی مأیوس می‌شوند، یک راه برای آن‌ها باقی می‌ماند و آن، این است که نظام اسلامی و انقلابی را، به مواضعی برخلاف اصول خود سوق دهند. یا به عبارت ساده‌تر و روشن‌تر او را وادار کنند که از گفته‌های خود در زمینه‌ی مسایل انقلاب برگردد، حرف و مواضع خود را تخطئه بکند و خودش را دچار تناقض نماید. این را از چه راهی انجام می‌دهند؟ از راه فشارهای تبلیغاتی، سیاسی و فرهنگی. جوّ را آن چنان از فشار انباشته می‌کنند، که انسان‌های ضعیف‌النفس در مقابل این فشار نمی‌توانند مقاومت کنند... این خطر بزرگی است که صاحبان فکر و اندیشه را در کشورها تهدید می‌کند، در مقابل این خطر باید مثل کوه استوار

۳. تحجّر و مقدّس‌نمایی

تحجّر به مفهوم جمود و انعطاف‌ناپذیری است. حالتی که شخص در مقابل هر پدیده‌ی جدید به دلیل تازه بودن واکنش منفی از خود نشان می‌دهد. همزمان با شروع نهضت امام خمینی قدس‌سره در سال ۱۳۴۱ و مبارزه‌ی ایشان علیه رژیم ستم‌شاهی، متحجّران، و مقدّس‌مآب‌ها سدّ راه مبارزه شدند، به طوری که امام خمینی قدس‌سره مبارزه با این‌ها را هزار بار سخت‌تر از مبارزه‌ی با رژیم می‌دانستند.^۱ پس از پیروزی انقلاب و استقرار نظام مقدّس اسلامی نیز، این نوع افراد به مبارزه با نظام اسلامی برخاستند. برخی به ملحدان و ضدّ انقلاب پیوستند، برخی در کشور ماندند و سعی کردند به هر وسیله مشروعیت نظام را زیر سؤال برده و خوراک تبلیغاتی برای رسانه‌های گروهی بیگانگان تهیّه کنند. امام خمینی قدس‌سره در پایان عمر مبارک‌شان گوشه‌ای از خیانت‌های آن‌ها نسبت به اسلام را بازگو کرده و فرمودند:

«خون دلی که پدر پیرتان از این دسته متحجّر خورده است هرگز از فشارها و سختی‌های دیگران نخورده است و آن قدر که اسلام از این مقدّسین روحانی‌نما ضربه خورده است از هیچ قشر دیگری نخورده است».^۲

و امام خامنه‌ای مدظله‌العالی خطر تحجّر را این‌گونه بیان فرموده‌اند:

«تحجّر آن است که کسی که می‌خواهد از مبانی اسلام و فقه اسلام، برای بنای جامعه استفاده کند، به ظواهر اکتفا کند. و نتواند کشش طبیعی احکام و معارف اسلامی را، در آن جایی که قابل کشش است درک کند و برای نیاز یک ملت و یک

۱. اولین و مهم‌ترین فصل خونین مبارزه در عاشورای ۱۵ خرداد رقم خورد. در ۱۵ خرداد ۴۲ مقابله با گلوله تفنگ و مسلسل شاه نبود که اگر تنها این بود مقابله را آسان می‌نمود. بلکه علاوه بر آن از داخل جبهه خودی گلوله حيله و مقدس‌مآبی و تحجر بود؛ گلوله زخم زبان و نفاق و دورویی بود که هزار بار بیشتر از باروت و سرب، جگر و جان را می‌سوخت و می‌درید. (صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۸۰)

۲. صحیفه امام ج ۲۱ ص ۲۷۸

نظام و یک کشور، که نیاز لحظه به لحظه است، نتواند علاج و دستور روز را نسخه کند و ارایه بدهد. این بلای بزرگ است. اگر در رأس نظام‌های سیاسی که بر اساس اسلام تشکیل شده است یا در آینده تشکیل خواهد شد؛ چنین روحیه‌ای وجود داشته باشد. اسلام برنامه دارد و خواهد توانست از منبع لایزال و احکام اسلامی، جامعه را به پیش ببرند و امام خمینی قدس سره خود را از این آفت مبرا کرد.» (۱۳۷۶/۳/۱۴)

۴. رواج سکولاریسم

ترویج اندیشه سکولاریسم برای انقلابی که بر اساس یگانه‌انگاری دین و سیاست پاگرفته و جوهره آن را بر آمدن سیاست از دین تشکیل می‌دهد، سم مهلکی است که به پایه‌های آن آسیب جدی و جبران‌ناپذیری وارد می‌سازد. «این همانی» دین و سیاست از قوی‌ترین نقاط یک جامعه دینی، به ویژه در عصر جدید، به‌شمار می‌آید. ساده‌ترین و بهترین وضعیت برای یک جامعه دینی پذیرش این نکته است که دین و سیاست را جفتی توأمان بدانند و حتی بیش از آن، حالتی «این همانی» میان‌شان برقرار سازند. در چنین شرایطی، نقاط قوت دین و سیاست با هم رابطه تعاطی را تشکیل می‌دهند. سیاست به‌هنگام، منسجم و قوی می‌تواند پشتوانه لازم برای اعتبار و شکوه دین قرار گیرد و متقابلاً دین مقبول و مطلوب و جای گرفته در اعماق ذهن و قلب اعضای جامعه که در عین حال، خود در بردارنده آموزه‌های سیاسی است، تکیه‌گاهی مناسب برای سیاست شمرده می‌شود. چنین رابطه‌ای را می‌توان از سیره پیامبر و آثار اسلامی نیز اخذ کرد، ولی پرداختن به این مهم خارج از چهارچوب و حوصله این مقاله است. اگر حکومت دینی حکومتی است که از صدر تا ذیل آن بر اساس دین تعریف می‌شود، بهترین راه مقابله با آن ارائه تفسیری از دین است که سیاست و اداره جامعه را در دست هر کس برتابد و دخالت دین در سازو کارهای حکومت و جامعه را نیز نپذیرد؛ دین را امری فردی و آن‌جهانی بداند و جامعه را از قلمرو الزامات دینی خارج سازد.

۵. کم‌رنگ شدن ارزش‌ها و رو آوردن به ضد ارزش‌ها

با سقوط یک رژیم سیاسی، ارزش‌های مسلط آن از بین نمی‌رود. هر چه قدر زمان مبارزه برای پیروزی انقلاب کم‌تر باشد، حضور ارزش‌های قبلی در جامعه بیشتر نمودار است. انقلاب اسلامی انقلاب ارزش‌ها و هنجارهای دینی است. و اگر این ارزش‌های اسلامی که انقلاب ما برای تحقق آن‌ها بود در جامعه کم‌رنگ شود خطر بزرگی انقلاب اسلامی را تهدید می‌کند.

« بررسی تاریخ اسلام نشان می‌دهد که پس از وفات پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مسیر انقلاب جهانی آن حضرت و شکل و محتوای آن، تا حدود زیادی عوض شد؛ این مسأله بر اثر رخنه افراد فرصت‌طلب و دشمنانی که تا دیروز با اسلام می‌جنگیدند، اما بعدها با تغییر شکل و قیافه، خود را در صفوف مسلمانان داخل کرده بودند، به وجود آمد. بدین ترتیب، از اواخر قرن اول هجری، تلاش‌هایی آغاز شد تا از این انقلاب با ماهیت اسلامی، به یک انقلاب دارای ماهیتی قومی و عربی تعبیر شود. وارثان میراث پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به جای اعتقاد به تأثیرگذاری اسلام و ارزش‌های اسلامی در پیروزی آنان، و به جای حفظ و تداوم دستاوردهای انقلاب اسلامی با معیارها و اصول اعتقادی خاص خود، به انقلاب، ماهیتی قومی و عربی دادند و معتقد شدند که علت پیروزی آنان بر ملل غیر عرب "ملت عرب" بوده است»^۱.

حضرت امام قدس سره در وصیت‌نامه خود، فراموش کردن اهداف فرهنگی قیام ملت و مکتب الهی اسلام، به انزوا کشاندن روحانیت، غرب‌زدگی و شرق‌زدگی و سلطه بیگانگان بر مقدرات مراکز تعلیم و تربیت را از آفات فرهنگی انقلاب معرفی می‌نماید. اندیشه‌های بیگانه ممکن است از طریق دشمنان یا دوستانی که مجذوب آرای دیگران شده‌اند، نفوذ کنند. نمونه این گرایش‌ها را در قرون اولیه اسلامی می‌توان دید.

۱. استاد شهید مرتضی مطهری رحمت‌الله‌علیه، پیرامون انقلاب اسلامی، ص ۲۷

به‌عنوان مثال، مجذوب‌شدگان به پاره‌ای اندیشه‌های فلسفی و آداب و رسوم ایرانی و تصوّف هندی، نظریات و اندیشه‌هایی را به‌عنوان خدمت، و نه به قصد خیانت، وارد اندیشه‌های اسلامی کردند. بنابراین، در مسأله ورود و نفوذ اندیشه‌های بیگانه باید به زمینه‌های داخلی آن نیز توجه کرد.^۱

۶. ابتدال فرهنگی

از دیگر عوامل آسیب‌زا برای انقلاب اسلامی می‌توان به استفاده از هنر، سینما و تئاتر اشاره نمود که از طریق تولید انواع فیلم‌ها و سریال‌های تلویزیونی و انتقال آن به کشور تأثیرات سویی را بر رفتارهای اجتماعی جوانان گذاشته است. مطبوعات و کتاب‌ها نیز برای ترویج فرهنگ غربی مورد استفاده قرار گرفته‌اند. چاپ و نشر اشعار، مقالات و رمان‌های مختلف برای ترویج پوچ‌گرایی و نیز زیر سؤال بردن مبانی نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران و سیاست‌های فرهنگی آن در سطح گسترده‌ای مورد استفاده مخالفان نظام جمهوری اسلامی قرار گرفته است و نقش به‌سزایی در تهاجم فرهنگی غرب برای تضعیف باورهای اسلامی و انقلابی داشته است.^۲

اشاعه‌ی فساد و فحشا در جامعه خصوصاً در بین نسل جوان و تأثیرپذیری از جنگ روانی و تهاجم فرهنگی و تبلیغاتی دشمن و رجعت تدریجی به ارزش‌های فرهنگی رژیم پیش همواره از آسیب‌های جدی است که نظام را تهدید می‌کند. و به تعبیر مقام معظم رهبری تهاجم فرهنگی، یا شبیخون فرهنگی دشمن به‌طور دقیق در همین راستا می‌باشد. بحران هویت اجتماعی و دینی بالأخص بین نوجوانان و جوانان نسل دوم و سوم انقلاب و گرایش به الگوهای غربی و فرهنگ مبتذل غرب، همچنین از خطرات مهمی است که نظام اسلامی ما را تهدید می‌کند.

۱. مرتضی مطهری، بررسی اجمالی نهضت‌های اسلامی در صدساله اخیر، ص ۷۸ تا ۸۷

۲. اسماعیل شفیعی سروستانی، تهاجم فرهنگی و نقش تاریخی و روشنفکران

از مهم‌ترین ابزارهای اجتماعی برای تخریب فرهنگ جوامع دیگر، گسترش فساد اجتماعی است. فساد اجتماعی از جمله راه‌ها و روش‌های ضدفرهنگی است که ممکن است از عناصر داخلی گرفته شده و یا از فرهنگ بیگانه وارد اجتماع گردد. از جمله مفساد اجتماعی، گسترش فساد جنسی در جامعه است. فیلم‌های ویدیویی، برنامه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای، تصاویر مبتذل مجلات و تبلیغات روانی که از این ابزارها نشأت می‌گیرد، همگی درصددند تا قشر جوان جامعه ما را در فساد جنسی فرو برند و با این کار آنان را از اهداف معنوی و فرهنگی انقلاب اسلامی منحرف کنند. از دیگر اقدامات اجتماعی تهاجم فرهنگی، ایجاد روحیه مدگرایی و اخلاق خاص ترویج‌کنندگان این مدها در قالب گروه‌های رپ، هوی متال و... است که ترویج‌کننده ارزش‌های ضد اخلاقی از جمله همجنس‌بازی و برقراری روابط آزاد جنسی هستند.

مقام معظم رهبری مدظله‌العالی در یکی از فرمایشاتشان با اشاره به سابقه تهاجم فرهنگی در ایران قبل از انقلاب اسلامی، از اواسط دوره قاجاریه و به‌ویژه دوره رضاخان، می‌فرمایند:

«انقلاب اسلامی که آمد، مثل مشتی به سینه مهاجم خورده، او را عقب انداخت و تهاجم را متوقف کرد. شما در آن دوران اول انقلاب، ناگهان دیدید که مردم ما در ظرف مدت کوتاهی، تغییرات اساسی در خلیقات خودشان احساس کردند. در مردم، گذشت، قناعت، همکاری و گرایش به دین زیاد شد و آز و طمع و اسراف کم شد؛ این‌ها فرهنگ است، فرهنگ اسلامی این‌هاست... البته عمیق نبود، آن وقتی عمق پیدا می‌کند که چند سالی روی آن کار بشود، این فرصت پیش نیامد... در اواسط دوران جنگ، به وسیله ابزارهای تبلیغی، به وسیله گفتارهای غلط و کج‌اندیشانه، مجدداً شروع شد و آن ته‌نشین‌ها و رسوب‌های ذهنی و روحی خود ما مردم هم مؤثر بود! اما باز حرارت جنگ مانع بود تا این‌که جنگ تمام شد. پس از جنگ، این جبهه

جدید به شکل جدی مشغول کار شد. دشمن با یک محاسبه فهمید که جمهوری اسلامی را نمی‌شود با تهاجم نظامی از بین برد!... با محاصره اقتصادی هم نمی‌شود، فهمیدند باید عقبه ملت را بمباران کنند. فهمیدند باید فرهنگ، اخلاق، ایمان، ایثار، اعتقاد به دین، اعتقاد به رهبری، اعتقاد به قرآن و جهاد و شهادت ملت را از بین برد و شروع کرد.» (۷۱/۵/۲۱)^۱

۷. تحریف ریشه‌های انقلاب و شخصیت امام خمینی رحمت‌الله‌علیه

سرچشمه پیروزی انقلاب را در جوشش خون‌هایی باید دید که در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ ریشه‌های آن را آبیاری کردند. آشنایی با چگونگی شکل‌گیری آن قیام سرخ، علل آن و انحرافات آن که دشمنان ملت از همان ایام سعی کردند در آن ایجاد کنند، از اهمیت اعتقادی و تاریخی برخوردار است. به هیچ وجه نباید آن سرچشمه، مهجور و آن علل برای نسل امروز و آینده ناشناخته بماند یا در کنار عناصر بی‌ارزش و مشکوک، کم‌رنگ جلوه داده شود. از حیل‌هایی که به کار گرفته شده و هنوز هم ادامه دارد، مطرح کردن عوامل و حوادث کم‌اهمیت و بعضاً خیالی یا بزرگ‌نمایی عناصر بی‌ارزش و جریان‌های ساختگی قیام تاریخی و حماسه بی‌نظیر دوران معاصر و شخص امام خمینی رحمت‌الله‌علیه است. آن‌ها قصد دارند با تحریف ریشه‌های انقلاب مانع بروز هرگونه شور حماسی جدید، و ادامه هیجان حق‌طلبانه و پی‌گیری اقدام حسینی در آینده شوند.

فرمایشات رهبر معظم انقلاب در ۱۴ خرداد سال ۱۳۹۴ ناظر به همین موضوع بود، به‌ویژه آن‌جا که فرمودند:

«اگر راه امام را گم کنیم یا فراموش کنیم یا خدای نکرده عمداً به کنار بگذاریم، ملت ایران سیلی خواهد خورد.»

۱. این مطلب بدون تغییر محتوا ویرایش شده و عین عبارت امام خامنه‌ای مدظله‌العالی نیست.

۸. ترویج تقابل ملی‌گرایی در برابر اسلام خواهی

دشمن انقلاب، از طرح‌ها و برنامه‌هایی حمایت می‌کند که ایران منهای اسلام را بزرگ بنماید و به ویژه نسل جوان را به افتخارات پوچ شاهنشاهی ظالمانه علاقه‌مند کند و از عظمتی که اعتقاد به اسلام برای او به وجود آورد، بیگانه سازد. وجه بازر هویت ایرانی، حتی پیش از اسلام خداجویی او بوده و همین وجه موجب گرایش سریع او به اسلام شده است. این‌که ایرانی خداجو و دین‌گرا باشد، خوشایند دشمنان ما نیست؛ چرا که همین مسیر به طور منطقی ایرانی را به اسلام و محبت اهل‌بیت و شیعه امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام بودن و بالاخره، پیروزی انقلاب اسلامی می‌کشد. از این‌رو، طراحی دشمن بدان سمت می‌رود که القا کند ایرانی فاقد هویت است: زمانی اسکندر بر آن‌ها تجاوز کرد، دورانی اعراب مسلط شدند، ایامی چنگیز بر آن‌ها تاخت، سال‌هایی تیمور بر آن‌ها یورش برد و در همه این احوال، ایرانی سر تسلیم فرود آورد و در مقابل مهاجم خاضع شد و دورویی کرد و اعتقاد قلبی خود را بروز نداد و به چاپلوسی حکام پرداخت و همراه آن‌ها شیوه اجحاف و ارتشا را پیش گرفت و... بدین ترتیب دشمن می‌خواهد این‌گونه نتیجه‌گیری کند که توجه به اسلام و انقلاب اسلامی در میان ایرانیان از همان نوع اقدامات توأم با دورویی است که در طول تاریخ، ایرانیان از خود بروز داده‌اند و گواه آن را نیز، بزرگ‌نمایی برخی از تخلف‌ها و مفاسدهای می‌گیرد که خواه ناخواه در هر جامعه‌ای به چشم می‌خورد و در روزگار ما نیز وجود دارد.

این در حالی است که ظلم و جور مغولان و تیموریان نیز بدان شکل خاتمه یافت که مغولان ایلخانی با کمک ایرانیان، مدافع اسلام گشتند و تیموریان نیز رواج‌دهنده فرهنگ ایرانی - اسلامی در شبه قاره هند شدند، و این تسلط و قدرت معنوی ایرانیان مسلمان را می‌رساند. ویژگی‌های منفی که برای ایرانیان برمی‌شمردند نیز حاکی از

قابلیت انطباق ایرانیان با شرایط جدید و قدرت صبر و استقامت آنها است که همواره به از پا در آمدن ظلم، هرچند به قیمت شهادت سرداران زیاد، انجامیده است.

۹. ترویج اسلام‌ستیزی

دشمنان، اسلامی را که برای تضمین حق زندگی، حکم قصاص مقرر نموده، عقب‌مانده خواندند و خود به روش‌های دیگری پناه بردند که در عمل به گسترش جنایت و تعدی در عالم منجر شده است. اسلامی را که بیش‌ترین عنایت را به بانوان داشته و شایسته‌ترین مقام و منزلت را برای آن مقرر فرموده، ضد زن نامیدند و خود راه‌هایی را ابداع کردند که زنان را فقط ابزار شهوت‌رانی می‌کند. اسلامی را که زیباترین و کامل‌ترین مجموعه حقوقی را برای بشریت تنظیم کرده است، بیگانه از حقوق بشر و آزادی‌ها قلمداد کردند و خود شیوه‌ای را تبلیغ و ترویج نمودند که به تسلط ثروتمند بر محروم، و سیطره قدرتمند بر مستضعف ختم می‌شود.

۱۰. ترویج قومیت‌گرایی

تحقیر قومی، نژادی، و نیز زبانی و مذهبی ابزار سلطه قدرت‌های استعماری جدید و قدیم بر ملت‌ها و اقوام خویشاوند در سطح جهانی و در سطح ملی نیز بر دولت‌ها و ملل مستقل جهان بوده است.

دشمن در پی سوء استفاده از وجود قبایل و طوایف مختلف ایرانی، و ریشه‌دار قلمداد کردن و اصیل خواندن برخی اختلافات بین آنها بوده است. دشمن آن اختلافات را مایه امید خود قرار داد تا با تحریک و تشویق و تشدید آنها، درگیری و کشتاری خانمان‌سوز و بنیان‌برانداز را شکل دهد تا در انتهای آن نه از انقلاب اثری، و نه از اسلام پیامی، و نه از ایران نشانی باقی بماند!

چه شادمانی‌ها که دشمن از بروز درگیری‌های قومی و سیاسی در برخی استان‌ها یا شهرستان‌ها از خود بروز نداد و چه تفسیرها که بر جزئیات آن درگیری‌ها نهاد و

چه عوامل و علل تصنعی که برای آن نتراشید و چه حمایت‌ها که از گسترش آن‌ها نکرد! تفاوت‌هایی که به لحاظ فرهنگی و آداب و رسوم و سنن بین اقوام ایرانی وجود دارد، نشان‌دهنده سلايق گوناگون و تفاوت‌هایی است که در ظرافت درک مکارم بین افراد یا اقوام وجود دارد. این تفاوت‌ها در طول تاریخ موجب تکمیل شناخت ایرانیان و رشد و بالندگی هنری و فرهنگی بوده و هیچ‌گاه برخی درگیری‌های جزیی نتوانسته است مستقلاً موجب شکاف بین اقوام ایرانی، علی‌رغم یکسان نبودن زبان یا لهجه یا مذهب و دین و یا نحوه زندگی اجتماعی آن‌ها، شود و در آینده نیز دشمنان، از وقوع یا دامن زدن به اختلافات بومی و قومی و منطقه‌ای، طرفی نخواهند بست.

۱۱. جدایی حوزه و دانشگاه

در واقع یکی از کلیدی‌ترین مسائل اجتماعی و فرهنگی جامعه اسلامی ما حفظ و تقویت وحدت دو نهاد حوزه و دانشگاه است که جدایی آن‌ها آفتی بزرگ به شمار می‌آید. از مهم‌ترین مراکز فرهنگی یک جامعه، که می‌تواند محافظ و توسعه‌دهنده فرهنگ آن باشد، مدارس و دانشگاه‌های آن کشور است؛ زیرا نسل آینده‌ساز هر جامعه به‌طور معمول از این مسیر پرورش می‌یابد. از این‌رو، در تهاجم فرهنگی به کشور ما نیز تلاش گسترده‌ای از سوی بیگانگان و وابستگان آن‌ها برای تغییر ارزش‌ها و از خودبیگانگی صورت گرفته است که در پاسخ به آن موضوع اسلامی کردن دانشگاه‌ها مطرح شد.

۱۲. دنیاطلبی و اشرافی‌گری

اگر زندگی تجملی و روحیه تکاثر طلبی در میان عناصر انقلابی فزونی گیرد و نیروهای انقلابی روحیه خود را از دست دهند، داعیه دفاع از انقلاب و ارزش‌های آن تضعیف می‌شود. ابن خلدون نیز در بحث فراز و فرود تمدن‌ها به دوران‌های زیر اشاره می‌کند: دوران ظفر، دوران قدرت، دوره تجمل و فراغت، دوره خرسندی و بالاخره

دوره اسراف و تبذیر و انحطاط. در دوران آخر، عصیت (همبستگی اجتماعی) از بین می‌رود و تن‌آسایی، تجمل و حاکمیت روابط فزونی می‌گیرد.

امام صادق علیه‌السلام در حدیثی می‌فرماید:

« مَا ذُنْبَانِ ضَارِيَانِ فِي عَنَمٍ قَدْ تَفَرَّقَ رِعَاؤُهُمَا بِأَصْرٍ فِي دِينِ الْمُسْلِمِ مِنَ الرَّئَاسَةِ - ضَرَرٌ دُو
 گِزْ دَرِنْدَه کَه بَه اَبْتَدَا وَ اَنْتَهَايِ گَلَه بِي چوپانی حمله‌ور شوند هیچ‌گاه از زبانی که از
 حَبِّ مَالٍ وَ جَاهِ طَلْبِي مَتَوَجِّه دِينِ مُسْلِمَانِ مِي شَوَد بِيْش تَر نِيست. »^۱
 و به گفته حضرت امام خمینی قدس سره دنیادوستی با شعب مختلفش و به‌ویژه
 جاه‌طلبی ممکن است انقلاب و نظام اسلامی را به سقوط بکشد.

امام خمینی قدس سره در این باره می‌فرماید:

« جنگ‌های پیغمبر همه‌اش با اغنیا بود و با گردن کلفت‌ها بود و با ثروتمندها
 بود. »^۲

« خدا نیاورد آن روزی را که سیاست ما و سیاست مسئولین کشور ما پشت کردن
 به دفاع از محرومین و رو آوردن به حمایت از سرمایه‌دارها گردد و اغنیا و ثروتمندان
 از اعتبار و عنایت بیشتری برخوردار شوند. معاذ الله که این با سیره و روش انبیا و
 امیرالمؤمنین و ائمه معصومین - علیهم السلام - سازگار نیست، دامن حرمت و پاک
 روحانیت از آن منزه است، تا ابد هم باید منزه باشد. »^۳

« توجه داشته باشند که رئیس جمهوری و وکلای مجلس از طبقه‌ای باشند که
 محرومیت و مظلومیت مستضعفان و محرومان جامعه را لمس کرده، در فکر رفاه آنان
 باشند، نه از سرمایه‌داران و زمین‌خواران و صدرنشینان مرقه و غرق در لذات و شهوات

۱. الکافی (ط - الإسلامية) ج ۲ ص ۲۹۷

۲. صحیفه امام ج ۷ ص ۳۸۹

۳. صحیفه امام ج ۲۰ ص ۳۴۱

که تلخی محرومیت و رنج گرسنگان و پا برهنگان را نمی‌توانند بفهمند»^۱.
 « به مجلس و دولت و دست‌اندرکاران توصیه می‌نمایم که قدر این ملت را بدانید و در خدمتگزاری به آنان خصوصاً مستضعفان و محرومان و ستم‌دیدگان که نور چشمان ما و اولیای نعم همه هستند و جمهوری اسلامی رهاورد آنان و با فداکاری‌های آنان تحقق پیدا کرد و بقای آن نیز مرهون خدمات آنان است، فروگذار نکنید»^۲.

۱۳. غفلت از پرورش نیروی انسانی و نسل آینده

انقلاب به مثابه موجودی زنده است که برای دوام خود نیاز به تغذیه دارد. ساختن نیروهای انقلابی و مؤمن از نسل‌های جدید، از مهم‌ترین عوامل تداوم انقلاب محسوب می‌شود. غفلت از انتقال آموزه‌های انقلاب به نسل‌های دوم به بعد انقلاب، خطر گسست فرهنگی را به همراه خواهد داشت. وصول به این مقصود چندان که مسؤولان فرهنگی در وضعیت کنونی انقلاب پنداشته‌اند و عمل می‌کنند آسان نیست. به نظر می‌رسد، هشدارهای رهبر انقلاب و ارشادات ایشان آن‌چنان که باید از سوی برخی مسؤولان فرهنگی جدی گرفته نمی‌شود.

آسیب‌شناسی سیاسی

۱. تضعیف ولایت فقیه و رهبری

یکی از راهبردهای دشمن برای براندازی انقلاب، تضعیف رهبری و کم‌اهمیت جلوه دادن جایگاه آن است. مقابله با اصل نظریه ولایت فقیه نیز از شگردهای دشمنان انقلاب است. استحکام این نظام انقلابی، همان‌گونه که در قانون اساسی ملحوظ شده، وابسته به اقامه اصل ولایت فقیه است. مادامی که خدش‌های به این اصل وارد نیامده،

۱. صحیفه امام ج ۲۱ ص ۳۹۳ - وصیتنامه سیاسی - الهی

۲. صحیفه امام ج ۲۱ ص ۴۱۲ - وصیتنامه سیاسی - الهی

براندازی انقلاب ناممکن خواهد بود. از این‌رو، دشمنان انقلاب نسبت به آن اصل تشکیک، و حملات خود را متوجه اساس ولایت فقیه کردند. آنان نه تنها در این راه از به کارگرفتن برخی از نیروهای نفوذی خود در حوزه‌های علمیه ابا نکردند، بلکه در طرحی ویژه چنین وانمود کردند که به‌عنوان مثال ولایت‌فقیه ریشه محکم فقهی و تاریخی ندارد و اگر هم ریشه‌دار باشد، کاربرد سیاسی ندارد! گاهی نیز در راستای این هدف، حمله به نهادهای وابسته به رهبری را در دستور کار خود قرار می‌دهند.

۲. تضعیف‌اندیشه و روحیه انقلابی

دشمنان انقلاب، انقلابی‌گری را به هرج و مرج معنا می‌کنند تا راهی برای شماتت انقلابیون داشته باشند. در حالی که، انقلابی‌گری یعنی حفظ روحیه عصیان نسبت به زشتی‌ها و اخلاق ناپسندی که موجب سقوط انسان و اجتماع در ورطه خودخواهی و ابتذال و پشت‌پازدن به اصول می‌شود. دشمنان انقلاب خواستار آرامش و سکونند تا در غفلت ناشی از آن، هواپرستی را حاکم کنند.

مگر دشمنان انقلاب و شیاطین دست از اهداف شوم خود برداشته‌اند که ما باور کنیم شوریدن بر ضد توطئه‌های آن‌ها باید به فراموشی سپرده شود؟ بنابراین روحیه عصیان برای مقابله با خیانت‌های آنان باید همواره در ما زنده بماند. همچنان که رهبر معظم انقلاب بارها بر آن تاکید فرموده‌اند.

۳. رخنه و نفوذ فرصت‌طلبان

آماج نفوذ دشمن، بر نخبگان و مسئولین و شکل دادن و حاکم کردن طبقه‌ای از غرب‌گرایان میان آن‌هاست. این تلاش برای تغییر محاسبات و تغییر رفتار نه تنها نیروهای غرب‌گرا که حتی نیروهای انقلاب را نیز هدف قرار داده و به نوعی عمل می‌کند که آن‌ها بر معیارهایی مخدوش و مخشوش عمل کنند.

رنه و نفوذ در درون یک نهضت از آفت‌های بزرگ هر نهضت است. نفوذی و

فرصت طلب کسی است که نسبت به آرمان‌های انقلاب بی‌اعتقاد یا بی‌تفاوت و در تلاش برای تأمین منافع شخصی است.

آیت الله شهید استاد مطهری رحمت‌الله‌علیه در این رابطه فرموده است:

« هر نهضت مادام که مراحل دشوار اولیه را طی می‌کند سنگینی‌اش بر دوش افراد مؤمن، مخلص و فداکار است، اما همین که بار نشست و یا لاًقل نشانه‌های بار دادن آشکار گشت، و شکوفه‌های درخت هویدا شد، سر و کله‌ی افراد فرصت طلب پیدا می‌شود... تا آن جا که تدریجاً انقلابیون مؤمن و فداکاران اولیه را از میدان به در می‌کنند. این جریان تا آن جا کَلّیت پیدا کرده که می‌گویند: "انقلاب فرزندخور است" گویی خاصیت انقلاب این است که همین که به نتیجه رسید فرزندان خود را یک‌یک نابود سازد. ولی انقلاب فرزندخور نیست. غفلت از نفوذ و رخنه‌ی فرصت طلبان است که فاجعه به بار می‌آورد... انقلاب مشروطیت ایران را چه کسانی به ثمر رساندند؟ و پس از به ثمر رساندن چه چهره‌هایی پست‌ها و مقامات را اشغال کردند؟ و نتیجه‌ی نهایی چه شد؟... به هر حال، مبارزه با رخنه و نفوذ فرصت طلبان علی‌رغم تظاهرات فریبنده‌شان یکی از شرایط اصلی ادامه‌ی یک نهضت در مسیر اصلی است»^۱

۴. تفرقه و اختلاف داخلی

علی‌علیه‌السلام راز تداوم انقلاب و یک حکومت را دوری از تفرقه و تحکیم ارکان مودت و محبت و ترغیب و توصیه نسبت به آن معرفی می‌فرمایند. مهم‌ترین عامل تهدید کننده‌ی بالندگی یک ملت از دیدگاه آن حضرت عبارت است از: کاشتن بذر نفاق و کینه در سینه، پشت کردن به یکدیگر، ترک یاری هم نوعان و تبدیل الفت و محبت به پراکندگی و تفرقه.

« چون در تفاوت وضع امم گذشته در نیکی و بدی اعمال‌شان اندیشه کردید، آن

۱. مجموعه آثار استاد شهید مطهری - نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر ج ۲۴ ص ۸۹

کاری را اختیار نمایید که عزت آنان بدان سبب تأمین شد، و دشمنان‌شان از عرصه حیات‌شان دور شدند، و زمان سلامتی‌شان طولانی گشت، و نعمت در اختیارشان قرار گرفت، و پیوند کرامت آنان استوار شد، به این معنی که از تفرقه اجتناب کردند، و بر الفت پایداری نمودند، و یکدیگر را به آن تشویق و ترغیب کردند و سفارش نمودند و از اموری که ستون فقرات‌شان را درهم شکست، و قدرتشان را قرین سستی کرد دوری نمایند: از کینه ورزی قلوب، و عداوت سینه‌ها، و ناموافق بودن نفوس، و دست از یاری یکدیگر کشیدن»^۱.

بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و مقام معظم رهبری بر همین اساس پیوسته بر دوری از تفرقه و لزوم وحدت برای تداوم انقلاب تأکید داشته‌اند. تفرقه سبب شکسته شدن قدرت و از بین رفتن توان نیروهای بالقوه و بالفعل جامعه می‌شود.

البته نفس اختلاف نظر امری طبیعی و غیرقابل انکار است و در عین حال می‌تواند زاینده پیشرفت و ترقی نیز باشد، مشروط بر آن‌که از آثار منفی و انحرافی آن اجتناب شود و این شرط، زمانی تحقق خواهد یافت که انقلابیون مسلمان از جاده تقوای الهی خارج نشده و به نظرات رهبر و ولایت فقیه متعبدانه پایبند و وفادار باشند.^۲

۵. عدم مواجهه صحیح با آزادی و سوء استفاده از آن

آزادی یکی از نعمت‌های خداوند است و انسان فطرتاً خواستار آن است و با

۱. فَإِذَا تَفَكَّرْتُمْ فِي تَفَاوُتِ حَالِيهِمْ فَالْزَمُوا كُلَّ أَمْرٍ لَزِمَتِ الْعِزَّةَ بِهِ شَانَهُمْ [حَالَهُمْ] وَ زَاوَتْ الْأَعْدَاءُ لَهُ عَنْهُمْ وَ مَدَّتِ الْعَافِيَةَ بِهِ عَلَيْهِمْ وَ انْقَادَتِ النِّعْمَةُ لَهُ مَعَهُمْ وَ وَصَلَتِ الْكَرَامَةُ عَلَيْهِ حَبْلَهُمْ مِنَ الْاجْتِنَابِ لِلْفِرْقَةِ وَ اللُّزُومِ لِلْأَلْفَةِ وَ التَّحَاضُّ عَلَيْهِمَا وَ التَّوَاصِي بِهَا وَ اجْتَنَبُوا كُلَّ أَمْرٍ كَسَرَ فِقْرَتَهُمْ وَ أَوْهَنَ مُنْتَهُمُ مِنْ تَضَاعُنِ الْقُلُوبِ وَ تَشَاخُنِ الصُّدُورِ وَ تَدَابُرِ النُّفُوسِ وَ تَخَاذُلِ الْأَيْدِي - نهج البلاغة (للصبيح صالح) ص ۲۹۶ - خطبه ۱۹۲ (قاصه)

۲. منوچهر محمدی، انقلاب اسلامی در مقایسه با انقلاب‌های فرانسه و روسیه

بهره‌مندی و استفاده درست از آن، می‌توان به فعالیت‌های اساسی و اجتماعی و زیربنایی پرداخت و نیز مشکلات مادی و معنوی جامعه را برطرف نمود. اما ملتی که سالیان متمادی در چنگال دیو استبداد، قدرت نفس کشیدن نداشتند، همین که یک‌باره و بدون آمادگی قبلی نعمت آزادی را در آغوش بگیرند به جای آن که در موقعیت جدید به فعالیت اساسی و زیربنایی بپردازند، با اقدامات و عملکرد نامناسب خود، سعی در نابودی آن می‌کنند؛ و به نام آزادی آن چنان سوء استفاده می‌شود که از کار اصیل و انقلابی خویش پشیمان می‌شوند - نظیر آن‌چه که در جریان مشروطیت گذشت - بنابراین، چنین سوء استفاده از آزادی مانند شمشیر دو دم اساس انقلاب را تهدید می‌کند؛ زیرا مسؤولان یا وضعیت موجود را تحمل می‌کنند که خود به هرج و مرج و خستگی مردم می‌انجامد، یا به محدود کردن آزادی و یا سلب آن از مردم می‌پردازند؛ که خود آغازی است بر پایان دادن به انقلاب و حاکمیت استبداد. در نتیجه ضمن بهره‌گیری از آزادی و رعایت حقوق دیگران و حفظ آن، لازم است که آموزش لازم برای استفاده صحیح از آن به مردم داده شود.

۶. سرپیچی از فرامین رهبری

هیچ رهبری بدون برخورداری از پشتیبانی و حمایت‌های مردمی قادر به ادامه‌ی وظایف خود نخواهد بود، حتی اگر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، یا امام معصوم علیه‌السلام باشد. بنابراین اطاعت از رهبری که مجتهد آگاه به زمان، عادل و باتقواست از لحاظ شرعی، قانونی و اخلاقی واجب اکید می‌باشد. امام علی علیه‌السلام درباره‌ی جایگاه و نقش رهبری در جامعه می‌فرماید:

« جایگاه رهبر همانند بند تسبیح نسبت به دانه‌هاست که آن‌ها را گرد آورده و به هم پیوند می‌دهد پس هنگامی که بند تسبیح بگسلد دانه‌ها از هم جدا شده و هر

سویی پراکنده می‌شوند و دیگر هرگز نمی‌توان آن‌ها را جمع‌آوری نمود!^۱
 همچنین حضرت در بیان علل صعود و سقوط حکومت‌ها اطاعت از رهبری را از عوامل صعود و پیروزی و سرپیچی از فرامین رهبری را عامل سقوط و شکست جامعه می‌داند. امام علیه‌السلام در حالی که از سنگینی یارانش از جهاد و مخالفت‌شان با رأی آن جناب آزرده خاطر بود به منبر رفت و فرمود:

« سوگند به خدا می‌بینم که این قوم به زودی بر شما چیره شوند به خاطر اجتماعی که آنان بر باطل‌شان دارند، و تفرقه‌ای که شما از حق دارید، و محض این‌که شما در راه حق به امام خود عاصی هستید، و آنان در راه باطل مطیع رهبر خویشند، و به علت این‌که آنان امانت او را ادا می‌کنند و شما خیانت می‌ورزید، و به جهت این‌که آنان در شهرهای خود درستکارند و شما فاسد هستید».^۲

۷. خستگی نیروهای انقلابی

ادامه‌ی انقلاب اسلامی تا رسیدن به تمام اهدافش، یک اصل است که هیچ‌گاه نباید از ذهن و فکر انقلابیون دور شود و افراد انقلابی باید بدون خستگی و با نشاط کامل، برای رسیدن به اهداف اصلی انقلاب تلاش کنند. به هر حال، سست شدن مردم از ادامه‌ی راه انقلاب، یکی از آفات مهم انقلاب است که ممکن است به دلایل متعددی از جمله رفاه‌طلبی، یا برخورد با مشکلات در ادامه‌ی راه حاصل شود.
 امام خمینی قدس سره درباره‌ی نقش مردم در انقلاب می‌فرماید:

۱. وَ مَكَانُ الْقِيَمِ بِالْأَمْرِ مَكَانُ النَّظَامِ مِنَ الْخَرْزِ يَجْمَعُهُ وَ يَضُمُّهُ فَإِنْ انْتَقَعَ النَّظَامُ تَفَرَّقَ الْخَرْزُ وَ ذَهَبَ ثُمَّ لَمْ يَجْتَمِعْ بِحَذَا فَيَرِهِ أَبَدًا. - نهج البلاغة (للصّبحي صالح) ص ۲۰۳ خطبه ۱۴۶
۲. إِنِّي وَاللَّهِ لَأَظُنُّ أَنَّ هَؤُلَاءِ الْقَوْمِ سَيُدْأَلُونَ مِنْكُمْ بِاجْتِمَاعِهِمْ عَلَيَّ بِأَطْلِهِمْ وَ تَفَرُّقِكُمْ عَنِّي عَنْ حَقِّكُمْ وَ بِمَعْصِيَتِكُمْ إِمَامَكُمْ فِي الْحَقِّ وَ طَاعَتِهِمْ إِمَامَهُمْ فِي الْبَاطِلِ وَ بِأَدَائِهِمُ الْأَمَانَةَ إِلَيَّ صَاحِبِهِمْ وَ خِيَانَتِكُمْ وَ بِصَلَاحِهِمْ فِي بِلَادِهِمْ وَ فَسَادِكُمْ. نهج البلاغة (للصّبحي صالح) خطبه ۲۵

« این یک عنایتی است که خدای تبارک و تعالی به این ملت کرد، و از خود مردم، از خود این توده‌ها ...، از بازار - نمی‌دانم - از کوچه‌ها و خانه‌ها، افراد منبعث شدند و حکومت تشکیل دادند... تا وضع این طوری است حکومت بر قرار است... شما خوف از این که یک آسیبی این جمهوری اسلامی به آن برسد، از این خوف نداشته باشید»^۱.

بیشتر نهضت‌های صد ساله‌ی اخیر به خاطر همین نقیصه‌ها به ثمر نرسیدند. برای مثال پس از پیروزی نهضت مشروطیت و کنار رفتن رهبران نهضت و به تبعیت از آن‌ها مردم، نهضت به شکست انجامید. در نهضت ملی شدن صنعت نفت نیز پس از کنار رفتن رهبران مذهبی، نهضت از درون متلاشی شد؛ بنابراین، تردیدی نیست که مشارکت و حضور گسترده‌ی مردم در صحنه‌ی انقلاب از عوامل اصلی و مهم پیروزی و خنثی نمودن توطئه‌های دشمنان انقلاب بوده است.

دشمن همیشه بیدار است. دشمنان جهانی و حالت طغیان و خودکامگی که بعضی گروه‌ها و قدرت‌هایی که همیشه می‌خواهند خون مردم را بمکند، چه در داخل و چه در خارج، با چهره‌ها و با توطئه‌های تازه تجلی می‌کنند و از راه‌های تازه‌ای وارد می‌شوند و از جای دیگر رخنه می‌کنند.

بنی اسرائیل در مرحله استمرار و تداوم انقلاب، به حضرت موسی علیه‌السلام گفتند:

« قَالُوا يَا مُوسَى إِنَّا لَن نَدْخُلُهَا أَبَدًا مَّا دَامُوا فِيهَا فَادْهَبْ أَنْتَ وَرَبُّكَ فَقَاتِلَا إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ - موسی! تا آن‌ها در آن‌جا هستند، ما هرگز وارد نخواهیم شد! تو و پروردگارت بروید و (با آنان) بجنگید، ما همین جا نشسته‌ایم.» (مائده/۲۴)

به همین دلیل خداوند بر آن‌ها غضب کرد و فرمود:

« قَالَ فَإِنَّهَا مُحَرَّمَةٌ عَلَيْهِمْ أَرْبَعِينَ سَنَةً يَتِيهُونَ فِي الْأَرْضِ فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ - خداوند (به موسی) فرمود: این سرزمین (مقدس)، تا چهل سال بر آن‌ها ممنوع است

و به آن نخواهند رسید؛ پیوسته در زمین (در این بیابان)، سرگردان خواهند بود؛ و در باره (سرنوشت) این جمعیت گنهکار، غمگین مباش!». (مائده/۲۶)

پس اگر این مردم بودند که باعث پیروزی در مرحله اول انقلاب شدند، همین مردم هستند که باید در مرحله استمرار و تداوم انقلاب نیز حاضر و آماده انجام وظایف خود شوند.

۸. سوء مدیریت مسئولان

در کنار تعهد عملی، نقش عمده تخصص علمی و مدیریت قوی در رهبری و مسئولان نیز بر همگان آشکار است و فقدان آن در زمره آفات خطرناک انقلاب به شمار می‌آید. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

« أَهْيَا النَّاسُ إِنْ أَحَقَّ النَّاسُ بِهَذَا الْأَمْرِ أَفَوَاهُمْ عَلَيْهِ وَ أَعْلَمُهُمْ بِأَمْرِ اللَّهِ فِيهِ - ای مردم شایسته‌ترین کس برای زمامداری، نیرومندترین و داناترین آنان به امر خدا و امر مربوط به زمامداری است.»^۱

همچنین امام علی علیه السلام عوامل افول دولت‌ها را چهار چیز می‌دانند:

« تباہ نمودن اصول اساسی، فریب کاری، مقدم داشتن فرومایگان و مؤخر داشتن فرزندان.»^۲

عوامل مزبور از ضعف یا سوء مدیریت مسئولان حکومتی ناشی می‌شود و به تضعیف دولت می‌انجامد.

۹. ناتمام گذاشتن آرمان‌های نهضت

به تعبیر استاد شهید مرتضی مطهری رحمت‌الله‌علیه، متأسفانه تاریخ نهضت‌های

۱. نهج البلاغة (للصباحی صالح)، ص ۲۴۸ - خطبه ۱۷۳

۲. يُسْتَدَلُّ عَلَى إِدْبَارِ الدَّوْلِ بِأَرْبَعِ تَضْيِيعِ الْأَصُولِ وَ التَّمَسُّكِ بِالْفُرُورِ وَ تَقْدِيمِ الْأَرَادِلِ وَ تَأْخِيرِ الْأَفَاضِلِ.

- غررالحکم و دررالکلم، ص ۳۴۲، شماره ۷۸۳۵

اسلامی صدساله اخیر، نشان از یک نقیصه در رهبری روحانیت شیعه دارد و آن این‌که روحانیت نهضت‌هایی را که رهبری کرده تا مرحله پیروزی بر خصم ادامه نداده است. مورد انقلاب اسلامی ایران هر چند وضعیت متفاوت است، اما هنوز همه‌ی آرمان‌های داخلی و خارجی انقلاب تحقق نیافته است. تلاش در جهت تقویت و اجرای این آرمان‌ها از طریق افزایش آگاهی‌های عمومی و بسیج امکانات، به افزایش اقتدار و استحکام داخلی و نفوذ بین‌المللی انقلاب می‌انجامد.

آسیب‌شناسی اقتصادی

۱. وابستگی اقتصادی به قدرت‌های بیگانه و غفلت از نفوذ دشمن در پایه‌های اقتصاد کشور با اجرای الگوهای اقتصادی غیر بومی.
 ۲. نداشتن برنامه‌های بلند مدت و کوتاه مدت برای نیل به استقلال و توسعه‌ی اقتصادی؛ که سبب می‌شود امکانات کشور بی‌آنکه راه‌گشای یک اقتصاد مستقل و توسعه یافته شود در امور روزمره و زودگذر به کار افتد و از میان برود.
 ۳. عدم توجه به بحران‌های اقتصادی یا عدم توجه به اقشار کم درآمد در اجرای برنامه‌های سازندگی و توسعه اقتصادی.
 ۴. عدم وجود فرهنگ کار و انضباط اجتماعی. (چنان‌که رهبر معظم انقلاب بارها بر این مهم تأکید ورزیده‌اند)
 ۵. پیدایش ثروت‌های باد آورده و بی‌توجهی به مستضعفان و عنایت به ثروتمندان، و فقدان عدالت اجتماعی - اقتصادی.
- اهمیت مسائل اقتصادی در حدی بود که قانون اساسی یک فصل (فصل چهارم) را اختصاص به مسائل اقتصادی داده است. در مقدمه قانون اساسی نیز آمده است:
- «در تحکیم بنیادهای اقتصادی، اصل، رفع نیازهای انسانی در جریان رشد و تکامل است نه همچون دیگر نظام‌های اقتصادی تمرکز و تکاثر ثروت و سودجویی؛

زیرا که در مکاتب مادی اقتصاد خود هدف است و بدین جهت در مراحل رشد، اقتصاد عامل تخریب و فساد و تباهی می‌شود، ولی در اسلام اقتصاد وسیله است و از وسیله انتظاری جز کارایی بهتر در راه وصول به هدف نمی‌توان داشت.»
شهید آیت‌الله مطهری رحمت‌الله‌علیه فرموده است:

« من تأکید می‌کنم اگر انقلاب ما در مسیر برقراری عدالت اجتماعی به پیش نرود، مطمئناً به نتیجه نخواهد رسید و این خطر هست که انقلاب دیگری با ماهیت دیگری جای آن را بگیرد... این مکتبی است که پیشوایش علی علیه‌السلام می‌فرماید:^۱
اما دور باد که هوس بر من پیروز گردد و آز آتشین مرا به نوشخواری کشاند، حالی که در حجاز و یمامه مردمی باشند که به گردهای نان امید نداشته و شکمی سیر به خود ندیده باشند. دور باد که من با شکمی انباشته و آماسیده از طعام روز را به شب آورم و در پیرامون من گرسنگان و جگر سوختگان باشند».^۲

منابع:

- استاد شهید آیت‌الله مطهری کتاب‌های - پیرامون انقلاب اسلامی - آینده انقلاب اسلامی ایران - نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر.
تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران (ریشه‌ها و پیامدها) - باباپور گل‌افشانی، محمدمهدی - مرکز جهانی علوم اسلامی.
مجله معرفت، شماره ۶۸ - مقاله آسیب‌شناسی انقلاب اسلامی - محمدرضا باقرزاده.^۳

۱. کتاب پیرامون انقلاب اسلامی - پی‌نوشت ۳۳

۲. هَيْهَاتَ أَنْ يَغْلِبَنِي هَوَايَ وَيَقُودَنِي جَشْعِي إِلَى تَخْيِيرِ الْأَطْعِمَةِ وَ لَعَلَّ بِالْحِجَازِ أَوْ الْيَمَامَةِ مَنْ لَا طَمَعَ لَهُ فِي الْقُرْصِ وَلَا عَهْدَ لَهُ بِالشَّبْعِ أَوْ أُبَيْتِ مِطَانًا وَ حَوْلِي بَطُونٌ عَرَّتِي وَ أَكْبَادٌ حَرَّى. - نهج البلاغة (للصبحي صالح)، ص ۴۱۸ نامه ۴۵

۳. از آن‌جا که مطالب اصلی مقاله از این منبع استفاده شده، در متن نشانی این منبع نیامده است.